

هم‌خونه ی جهنمی

I have a roommate

من یه هم‌خونه دارم

she is a nice girl

دختر خوبیه

but

اما

some things about her really get on my nerves!

یه چیزایی درموردش واقعا میره رو مخم!

For one thing

یکی اینکه

she doesn't do her fair share of the housework!

سهم خودش رو از کارای خونه انجام نمیده!

Which is okay

که اشکالی نداره

as long as she pays the bills on time!

تا وقتی که قبض ها رو به موقع پرداخت کنه!

But no...

ولی نه...

she can't do that

نمیتونه این کارو انجام بده

she always puts it off till the last minute!

همیشه تا دقیقه ی آخرین عقبش میندازه!

I once lost my cable

ویه بار برقم پرید

and missed the last episode of game of thrones!

و آخرین قسمت بازی تاج و تخت رو از دست دادم!

Can you imagine?

میتونی تصور کنی؟

I can put up with small flaws

من میتونم با عیب های کوچیک کنار بیام

but she sometimes drives me up the wall.

ولی بعضی وقت ها خیلی عصبانیم میکنه.

She puts the empty containers

جعبه یا ظروف خالی رو

back in to the fridge!

میذاره تو یخچال!

You know how many cereals I have lost

میدونی چقدر غلات صبحانه

because of the empty milk cartons in the fridge?

بخاطر پاکت خالی شیر تو یخچال از دست دادم؟

You know what bothers me the most?

میدونی چی بیشتر از همه اذیتم میکنه؟

Noises!

صداها!

She makes them a lot!

خیلی سروصدا تولید میکنه!

She eats too loudly!

اون خیلی پر سروصدا غذا میخوره!

I hate that!

از این متنفرم!

I hate that so much that sometimes

انقدری از این متنفرم که بعضی اوقات

I think about smashing her teeth!

به شکستن دندوناش فکر میکنم!

Am I a bad person?

من آدم بدیم؟

I mean she is very kind and all but

منظورم اینه که اون خیلی مهربون و ایناست ولی

she always listens to music

همیشه با هدفونش با صدای خیلی بلند

on her headphones so loud

به موسیقی گوش میده

that I can hear it from the other room!

طوری که من از یه اتاق دیگه میتونم بشنوم!

And she always snaps her gum

و همش آدامشو باد میکنه

and her phone sound is always on!

و صدای گوشیش همیشه روشنه!

I mean

منظورم اینه که

I know that she doesn't do these things on purpose

میدونم که این کارا رو از قصد نمیکنه

but they are really irritating.

ولی خیلی اذیت کننده‌ن.

I have to ask her to move out

باید ازش بخوام که از اینجا بره

don't I?

نه؟

Remember

یادت باشه

use these phrases

از این عبارات

to describe how annoying something is:

برای توصیف اذیت کننده بودن یه چیز استفاده کن:

It drives me up the wall

خیلی عصبانیم میکنه

It really gets on my nerves

واقعا میره رو مخم

It's really irritating

خیلی اذیت کننده ست

It bothers me

اذیتم میکنه

Now tell me

حالا بهم بگو

what annoying habits irritate you the most?

چه عادات آزار دهنده ای بیشتر شما رو اذیت میکنه؟